



## بررسی تفکر انتقاد و انتقادپذیری در آموزه های اسلامی و نقش تربیتی آن در تعلیم و تربیت نوجوانان

ساناز بهمن پور<sup>۱</sup>، صمد عابدی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشگاه پیام نور، میاندوآب bahmanpour2015@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشگاه پیام نور، ملکان استادیار رشته علوم تربیتی دانشگاه پیام نور تهران ایران

samadabedi@gmail.com

### چکیده

هدف این پژوهش بررسی تفکر انتقاد و انتقادپذیری در آموزه های اسلامی و نقش تربیتی آن در تعلیم و تربیت نوجوانان است. روش تحقیق در پژوهش کنونی، توصیفی- تحلیلی و کتابخانه ای است. انتقاد و انتقادپذیری در جامعه اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار است. انتقاد صحیح موجب شناخت نقاط قوت و ضعف می شود و از این طریق به پیشرفت و اصلاح امور می انجامد. برای اینکه هدف اصلی نقد که تکامل و اصلاح فرد و جامعه است و مورد تأکید دین اسلام نیز می باشد، محقق شود، لازم است نقد مبتنی بر اصول و روش های صحیح انجام شود. بهترین راه برای دست یافتن به اصول و روش های صحیح نقد که مورد پذیرش دین اسلام نیز باشد، استفاده از متون دینی یعنی قرآن مجید و کلام معصومان (ع)، است. قرآن مهمترین توصیه ها را در مورد داشتن تفکر انتقادی به انسانها دارد. تقلید کورکورانه و بدون پشتوانه عقلی و منطقی بارها در قرآن مورد تقبیح واقع شده است. اصول انتقاد در اسلام عبارتند از: صلاحیت معنوی، نیت، حقیقت جویی و حقیقت گوئی، انصاف و عدالت، رعایت ادب در گفتار و حفظ شخصیت مخاطب، دلسوزی و خیرخواهی، مخفیانه و خصوصی بودن، هدف نقد؛ هدایت، خیرخواهی و اصلاح، نقد باید همراه با علم و اشراف به موضوع باشد، نداشتن سوءنیت و قصد تخریب، داشتن علم، داشتن اهلیت، سازنده بودن، رعایت حرمت، پرهیز از غیبت، پرهیز از تهمت، موقعیت شناسی، روش صحیح در بیان. روش های انتقاد در اسلام شامل انتقاد از خود، اخلاص، شناختن و انتقاد کردن، پرهیز از شتاب زدگی، انتقاد با عمل نیک همراه باشد، انتقاد، سالم و اصلاحگرانه باشد، زمان و مکان در نقد رعایت شود، نقد صمیمی و خصوصی باشد، انتقاد خیرخواهانه باشد، آگاهی و شناخت ناقد، می شود.

### واژه های کلیدی

تفکر انتقاد، انتقادپذیری، آموزه های اسلامی، نقش تربیتی، تعلیم و تربیت، نوجوانان.

### ۱. مقدمه

صلاح شخص و اصلاح جامعه، در سایه «شناختن عیوب» و تلاش برای «زدودن عیوب» است. این شناخت هم در خود شخص و نسبت به افکار و اعمال خودش است و هم نسبت به دیگران. زمینه ایجاد این عیب زدایی نیز «تذکر» از سویی و «تنبه» و «اقدام» از سوی دیگر است. رشد فرد در رهن شناسایی حقیقت هاست. انسان در سایه شناخت، روش استفاده از امکانات و نیروهای درونی خود و دنیا را فرا می گیرد. زندگی را طبق اصول منطقی پایه ریزی می کند. بر مجهولات پیروز می شود و مشکلات را یکی پس از دیگری حذف می کند. شناسایی مجهولات و توسعه شناخت، شیوه های گوناگونی دارد و «انتقاد و انتقادپذیری» یکی از عوامل مهم توسعه شناخت است که بر موارد مبهم انگشت می گذارد، و ضعف ها و نقض ها را نشان می دهد.



انتقاد سازنده، نقش مهمی در توسعه و تعالی جامعه دارد و همیشه بهترین نظرها و آرا در پرتو نقد و بررسی ها کسب می شود، به فرموده امام علی علیه السلام: «کسی که از افکار دیگران استقبال کند، موارد خطا را می شناسد» (نهج البلاغه/ قصار ۱۷۳). انسان ها به دلیل رفتار و عملکرد و عکس العمل مختلف شان گاه مورد ملامت نفس خود و گاه مورد انتقاد دیگران قرار می گیرند. از توصیه های تربیتی اسلام این است که اولاً انسان ها ضمن داشتن سعه صدر و بردباری، گوش شنوایی درباره دیگران داشته باشند و ثانیاً دیگران انعکاسی از عیوب آنها به خودشان باشند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «الْمُؤْمِنُ مِرْأَةٌ الْمُؤْمِنِ؛ مومن آینه مومن است». [۱۳] اگر انسان بتواند عیب و نقص فردی را به شیوه ای بیان کند که پایگاه اجتماعی و هویت حقوقی و حقیقی او خدشه دار نشود، باید چنین انجام دهد و هرگز افشاگری و صدمه زدن، پسندیده نیست. مشکلی که به آرامی و با دست حل می شود، چرا با سر و صدا حل شود. در آموزه های علوی آمده است: «هر که به مسلمانی سخنی بگوید و مقصودش بردن آبروی وی باشد، خداوند او را در لجنزار دوزخ زندانی کند تا از آنچه گفته، عذری آورد.»

جامعه ای که بستر قبولی انتقاد سالم و نصیحت کنندگان امین در آن وجود داشته باشد، جامعه ای است عزتمند. در مقابل، اگر در جامعه ای بستر قبولی انتقاد وجود نداشته باشد و نقد کنندگان نتوانند نقدهای درست خود را به گوش دیگران برسانند، آن جامعه بیمار است. علی علیه السلام می فرماید: «لَا خَيْرَ فِي قَوْمٍ لَيْسُوا بِنَاصِحِينَ وَ لَا يَجِئُونَ النَّاصِحِينَ؛ آن مردمی که خیرخواه همدیگر نیستند و خیرخواهان را دوست ندارند، از سعادت و بهروزی بی بهره اند.» [۱]

نقدپذیری به عنوان خصیصه ای انسانی و اسلامی، نقش مهمی در جلوگیری از آسیب های فردی و اجتماعی دارد. ترویج فرهنگ انتقادپذیری در جامعه، کمک زیادی به حذف درگیری ها می کند. همان طور که انتقاد و نقادی موجب کمال و رشد کارکردها و رفتارها است، نقدپذیری نیز بستر بسیاری از خوشبینی ها و امیدها راجع به اصلاح کارها است. بوجد آوردن تفکر انتقادی در دانش آموزان یکی از هدف های اصلی سیستم تعلیم و تربیت در سطح دنیا است که جزء اصول مهم هر سیستم آموزشی است؛ چون در روند آموزش باید هم روحیه نقدپذیری در معلم ها تقویت شود و هم روحیه نقد کردن و بستر تبیین و پژوهش در دانش آموزان ایجاد شود؛ اما متأسفانه مدرسه های امروز به علت توسعه علوم و فنون و با در نظر گرفتن برخی از روندهای روانشناختی، توجه خود را بیشتر به انتقال دادن اطلاعات و واقعیت ها معطوف کرده اند و از تربیت انسان های خلاق و اندیشمند فاصله گرفته اند در حالی که هر سیستم آموزشی برای موفقیت به توانمندی اشخاص خود در تحصیل و انتخاب عاقلانه نیاز دارد. [۱۲]

اهداف تحقیق عبارتند از:

- بررسی تفکر انتقاد و انتقادپذیری در آموزه های اسلامی و نقش تربیتی آن در تعلیم و تربیت نوجوانان
- بررسی ماهیت تربیتی انتقاد از منظر اسلام
- بررسی اصول انتقاد و انتقادپذیری در اسلام
- بررسی روش های انتقاد و انتقادپذیری در اسلام

## ۲- مبانی و پیشینه تحقیق

### ۲-۱- مفهوم نقد و انتقاد

نقد و انتقاد به معنی تفکیک کردن دینار و درهم، سره از ناسره، تفکیک کردن کاه از گندم، در گزینش بهتر، خرده گیری و ظاهر کردن زیبایی ها و کاستی های یک اثر استفاده می شود. نقد سخن یعنی اظهار کردن عیبها و محاسن آن. [۱۵]

نقد کردن، به معنی زیر سؤال بردن و کم ارزش جلوه دادن چیزها نیست. گاهی نقادی برای تحلیل سازنده و ایجاد درک بهتر از آنچه که اتفاق افتاده است به کار می رود. نقد یعنی نه بی دلیل چیزی را بپذیرید و نه بی دلیل آن را رد کنید.

### ۲-۲- روحیه انتقادپذیری

داشتن روحیه انتقادپذیری یک توانایی و مهارت مهم است که هر یک از ما می توانیم با تمرین آن را به دست آوریم و در کنار آن ارتباطی موثر و موفق با دیگران نیز داشته باشیم. همه ما هر روز چه بخواهیم و چه نخواهیم مورد انتقاد و ارزیابی دیگران قرار خواهیم گرفت.



بعضی از این انتقادهای نکات سازنده و مناسبی را در خود جای داده‌اند که حتی باعث پیشرفت ما می‌شوند. با این حال برای اینکه بتوانیم از این نکات در جهت بهبود شرایطمان استفاده کنیم، می‌بایست روحیه انتقادپذیری را در خود پرورش دهیم و در کنار آن راهکارهای کنار آمدن با احساسات منفی را نیز بیاموزیم. به وسیله روحیه انتقادپذیری ما می‌توانیم نظرات دیگران را در ذهن مان بدون قضاوت و سوگیری بررسی کرده و در صورت تمایل از آن‌ها برای بهبود شرایط استفاده کنیم.

یکی از رموز موفقیت‌های فردی و اجتماعی انسان داشتن ظرفیت انتقادپذیری است، انتقادپذیری و نرنجیدن از انتقاد نشانه رشد روحی، معنوی و اخلاقی است و هر کس خدای حکیم خیر او را بخواهد انتقادپذیر می‌گردد. هر فردی نیاز به خیرخواهی، مشورت و انتقاد سایرین دارد. ارتباطات و تعاملات افراد بایستی طبق نصیحت و خیرخواهی برای همدیگر تحکیم شود. اشتباه و گناه در گفتار و رفتار هر فردی ظهور می‌کند، پس انتقادگری و انتقادپذیری از نیازمندی‌های افراد برای اصلاح گفتار و کردار در مسیر رشد و کامل شدن است.

حاکمان و مردم، هر دو، باید خواستار و پذیرای نصیحت و انتقاد دلسوزانه باشند. چون لازمه‌ی موفقیت در اداره‌ی مسایل، نصیحت‌پذیری و انتقادپذیری است. این مساله موجب می‌شود که مسئولین با قبول ایرادات خالصانه، عیب‌ها و کژی‌ها را ببینند و آنها را اصلاح کنند. علی‌علیه‌السلام می‌فرماید: «بزرگ‌ترین توفیق‌ها پذیرش نصیحت است». [۱] کسی که اهل پذیرش سخن حق و اصلاح است، از اشتباه نجات می‌پیدا می‌کند و از رسوایی در امان می‌ماند. [۱]

### ۲-۳- اهمیت و ضرورت پرداختن به تفکر انتقادی

با توجه به توسعه پرسرعت اطلاعات و اقتضای آگاهی از تازه‌ترین یافته‌ها در دنیای کنونی نیاز است تفکر انتقادی در اشخاص به مرتبت یکی از اهداف اصلی تعلیم و تربیت پرورش داده شود. پس به‌طور کلی می‌شود گفت که با عنایت به اینکه

۱- تفکر انتقادی یکی از جنبه‌های اصلی وجود فرد است و پرورش آن موجب رشد انسان می‌شود.

۲- تفکر انتقادی با خصوصیات عقلانی انسان مثل کنجکاوی و میل به پیشرفت انطباق دارد.

۳- کاربردی کردن آموختن یا فراگیری طبق فعالیت خود یادگیرنده انجام می‌شود.

۴- متناسب با خصوصیات دوره فرا صنعتی و تغییر و تحول رو به افزایش آن است.

۵- برگرفته از هدف‌های اصلی تعلیم و تربیت است. [۴] پرداختن به آموزش تفکر انتقادی اهمیت خاصی دارد.

با توجه به تعبیر «اتَّهَمَ رَأْيَهُ» مؤمن باید برای اندیشه‌های خود، دادگاه تشکیل دهد و از صاحب نظران بخواهد که درباره افکار او داوری کنند.

در تعبیری دیگر، این ضرورت را آن امام بزرگ چنین ترسیم فرموده است: «حَقُّ عَلَى الْعَاقِلِ أَنْ يُضَيِّفَ إِلَى رَأْيِهِ رَأْيَ الْفَضْلَاءِ وَ يَضْمُ إِلَى عِلْمِهِ عُلُومَ الْحُكَمَاءِ؛ شایسته است که انسان دانا [با نظرخواستن و نقد و بررسی]، نظر اندیشمندان را بر نظر خود اضافه کند و علم حکیمان را ضمیمه دانش خود سازد». [۶]

بنابراین، نقد کردن سایرین و قبول نقد از دیگران، در کنار همدیگر سازنده و بهتر کننده موقعیت و احوال مردم و جامعه است. اگر این نقد و بررسی موجود نباشد و اندیشه و کار، بدون بازنگری و بررسی و خرده‌گیری به راه خود ادامه دهد، بی‌گمان به نتیجه‌ای نمی‌رسد؛ چون عاری از کاستی و اشتباه نیست.

### ۲-۴- آثار نقدپذیری از دیگران

۱. نقد پذیري موجب نوعي كسب مولفه اندازه‌گیری برای کردارهای آینده است.

۲. نقد پذیري باعث کاهش وسوسه فرد نسبت به انجام زیاد کارها در یک زمان و آگاهی نسبت به خطر پراکندگی قواست.

۳. نقد پذیري موجب تبیین اولویت‌های زندگی است؛ زیرا معمولاً رفتارهای اضافی و غلط مورد نقد قرار می‌گیرند.

۴. نقد پذیري نوعی غربال رفتاری و اخلاقی است که عیوب را از محسنات جدا می‌کند.

۵. نقد پذیري، موجب تشخیص دوستان مناسب نیز می‌شود؛ چنان که علی‌علیه‌السلام فرمود: «برگزیده‌ترین مردم در نظر تو باید کسی باشد که عیبهای زندگی‌ات را به تو هدیه کند و در تکامل نفس کمک تو باشد».



۶. با توجه به محدودیت عمر، با پذیرش نقد دیگران (نقد صادقانه و خیرخواهانه)، انسان می تواند زمان عمر مفید خویش را بیشتر کند.

### ۲-۵- پیشینه تحقیق

کریمیان و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله ای به «جایگاه تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر سند برنامه درسی ملی» پرداختند. روش تحقیق، توصیفی از نوع تحلیل اسنادی است. ابزار گردآوری داده ها، فیش برداری از منبع ها و اسناد در تعلیم و تربیت ایران و اسلام درباره تفکر نقادی است. نتایج تحقیق نشان داد: ۱- مهارت های تفکر انتقادی، بررسی، تحلیل، ارزشیابی، استنباط و شرح مورد تاکید در سند برنامه درسی ملی است. ۲- هدف تربیت در سیستم آموزش و پرورش ایران قرب الی الله است که نقد کردن یکی از شیوه های حصول آن است. ۳- در قرآن مجید توجه به اندیشه نقد مورد توجه است. [۱۲]

میراحمدی و احمدی (۱۳۹۵) در مقاله ای به «اهمیت و نقش تفکر انتقادی در توسعه ی دانش سیاسی مسلمانان» پرداختند. این پژوهش با روش تحلیل انتقادی و با در نظر گرفتن سه معیار: عقل، دین و اخلاق، تاثیرات اندیشه انتقادی را در دانش سیاسی مسلمانان در دوران میانه ی اسلامی تبیین می کند. [۱۷]

نجفی و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله ای با عنوان «حق انتقاد از منظر قرآن و سنت» ضمن بررسی مفهوم انتقاد و تفاوت های آن با مفاهیمی مانند عیب جویی، آزادی بیان و مخالفت، با استفاده از آیات قرآن کریم و سخنان و سیره پیشوایان معصوم (ع) به بررسی جایگاه و مبانی این حق پرداخته است و این فرضیه را بیان می کند که منتقد در نظام سیاسی اسلام، دارای مصونیت و امنیت است و حتی اگر از مرزهای انتقاد فراتر رفت، حاکمیت باید به نفع حق عمومی، از حق خویش بگذرد. [۱۸]

فیشر<sup>۱</sup> (۲۰۰۱) در تحقیقی با عنوان «تفکر انتقادی، یک معرفی» تفکر انتقادی را، «فکر کردن درباره فکر کردن» دانسته، باور دارد که تفکر انتقادی نوعی شیوه تفکر درباره موضوع، محتوا یا مساله است که به وسیله شخص متفکر انتخاب می شود تا به وسیله آن با استفاده از ساختارهای درونی اندیشه، کیفیت اندیشه خود را بالا برده و استانداردهای فکری را بر پایه آن طرح ریزی کند. [۱۹]

استلا<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) در مطالعه ای به بررسی «مهارت های تفکر انتقادی» پرداخته و چنین عنوان داشته که از عناصر اصلی رویکرد پساساختارگرایی، تفکر انتقادی و تعلیم و تربیت انتقادی است، مهارت های تفکر انتقادی بر اساس مهارت های مهم فکر کردن مانند توجه به جزئیات برای شناخت الگوها، مقایسه آنها، پیش بینی نتایج، دسته بندی موضوعات می باشد. [۲۰]

### ۳- روش تحقیق

#### ۳-۱- روش تحقیق

روش تحقیق در پژوهش کنونی، توصیفی- تحلیلی و کتابخانه ای خواهد بود. جامعه تحلیلی کلیه منابع مرتبط با موضوع است. کتاب ها و مقالات موجود در کتاب خانه ها و سایت ها.

#### ۳-۲- جامعه آماری

جامعه آماری دربرگیرنده تمام مدارک و اسناد پژوهشی موجود و در دسترس شامل کلیه کتب، مقالات، مجلات، مقالات الکترونیکی و اینترنتی، پایان نامه و... می باشد.

#### ۳-۳- نمونه آماری و شیوه نمونه گیری

حجم نمونه دربرگیرنده گزیده ای هدفمند از مطالب مرتبط با موضوع پژوهش حاضر می باشد. نمونه گیری به روش نمونه گیری هدفمند خواهد بود.

#### ۳-۴- روش جمع آوری اطلاعات

در این پایان نامه از شیوه توصیفی و تحلیلی و کیفی بر اساس روش کتابخانه ای و گردآوری مطالب استفاده شده است.

<sup>۱</sup> Fisher  
<sup>۲</sup> Stella



از کتاب ها، مقالات، اینترنت و پژوهش های انجام شده در این زمینه برای جمع آوری اطلاعات استفاده شد. در ابتدا به گردآوری مطالب با استفاده از منابع کتابخانه ای و سایت های اینترنتی پرداخته و سپس با استفاده از مطالب موجود به تبیین مساله پرداخته می شود.

### ۳-۵- روش تجزیه و تحلیل

بررسی، تحلیل، توصیف.

در این تحقیق از روش تحلیلی - توصیفی استفاده خواهد شد. بعد از تحلیل، معانی و مفاهیم مرتبط، موضوع تبیین خواهد شد.

### ۴- یافته های تحقیق

#### ۴-۱- جایگاه انتقاد در آموزه های قرآنی

قرآن به عنوان کتاب راهنمای فرد در زندگی فردی و اجتماعی به تمام موضوعات اصلی پرداخته است که یکی از مهم ترین این مسایل، ارتباطات اجتماعی و چگونگی تعامل با دیگری در تمام سطوح و دسته های اجتماعی است. بنابراین به ارتباط بین مؤمنین و نیز مؤمنین و مامداران اشاره می کند و مسأله انتقاد و انتقادپذیری را به وضوح طرح و مصداق های زیادی را بیان می کند. اولین موردی که قرآن آن را بیان می کند داستان آفرینش انسان است که در سوره های گوناگون مطرح شده است. در سوره بقره آیات ۳۰ تا ۳۷ به نکاتی اشاره شده است که رابطه دقیقی با انتقادپذیری و تحمل دیگری دارد. خداوند با آنکه احاطه عملی کامل به هستی و آفریده های خود دارد و در مقام لایسئل عما یفعل (بازخواست نمی شود از آنچه می کند) نشسته است با این همه اجازه انتقاد و طرح مسئله را می دهد.

در حوزه تعاملات قدرت و ملت و دولت نیز این موضوع در داستان مورچگان و حضرت سلیمان(ع) به خوبی بیان شده است. حضرت با آنکه در مقام قدرت بود به انتقاد ملکه مورچگان گوش می دهد. ملکه مورچگان به وضوح و تندی رفتار و کردار حضرت و لشکریانش را نقد می کند و بیان می دارد که آنها بر هر سرزمینی که داخل شوند آن را ناخواسته به نیستی می کشاند.

مورچه با انتقاد از لشکرکشی های حضرت سلیمان(ع) می کوشد تا رفتار وی را مورد ارزیابی قرار دهد و آثار زیست محیطی آن را بنمایاند. این آثار زیست محیطی آنچنان مخرب و زیانبار است که مورچگان زیرزمینی نیز در امان نیستند چه برسد به موجودات دیگر؟ حضرت با تبسم خود انتقاد را قبول می کند و دستور می دهد که لشکرکشی ها به صورتی طراحی شود که ضرری به محیط زیست وارد نکند. [۲]

این انتقاد در مسئله هدهد نیز به شکل دیگر خودنمایی می کند. به این معنا که کوچک ترین عضو دولت نیز می بایست هم پاسخگو باشد و اعمال خویش را با مدیریت بالا دستان انجام دهد و خودسرانه عملی را انجام ندهد و هم اینکه آماده انتقاد و بازخواست باشد. البته به نظر می رسد که بازخواست، خاص نیروهای کوچک نیست بلکه همه رده ها باید آماده انتقاد و بازخواست از عملکرد خویش باشند.

انتقاد از قوانین وضعی و یا تغییر آن و یا ایجاد تعادل میان قوانین از دیگر اموری است که در مسئله مناسبات قدرت مطرح است. این مسئله را در آیات مختلف به اشکال گوناگون می توان یافت. گاه به این شکل است که از قانون و نحوه محتوای آن انتقاد می شود و گاه از نحوه اجرای قوانین نقد می شود. این گونه است که در سوره مجادله زنی به پیامبر به عنوان حاکم به مجری قوانین دولتی اعتراض می کند. در این سوره به خوبی بیان می شود که چگونه و در چه زمینه هایی دولتمردان باید خود را آماده انتقاد سازند. با انتقادات است که بسیاری از ابهامات برطرف می شود حتی اگر این انتقادات تند و سریع و زنده باشد چنان که در آیات قرآنی گزارش شده است.

#### ۴-۲- اصول انتقاد در اسلام

نقد و انتقاد به عنوان عملی که اقشار و سطوح بسیاری از اجتماع را در بر می گیرد، بیش از هر عملی نیازمند رعایت و پاسداشت اصول اخلاقی است. اگر این عمل که تاثیر بسیاری در رشد و تکامل فردی و گروهی جامعه دارد به دور از اصول اخلاقی انجام پذیرد، شکی نیست که اثرات مخربی در فرآیند رشد و انسجام و همدلی اجتماعی و سیاسی بر جا خواهد گذاشت.

توجه به اصول اخلاقی زیر، برای رسیدن به حداکثر فواید موجود در نقد و انتقاد ضروری به نظر می رسد:



## ۱- صلاحیت معنوی

اولین اصل این است که شخصی یا اشخاصی که قصد نقد موضوعی را دارد خود به آن مبتلا نباشد و خود عالم بی عمل نباشد در قرآن آمده است «أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَنْتُمْ تَتْلُونَ الْكِتَابَ أَ فَلَا تَعْقِلُونَ؛ آیا مردم را به نیکی فرمان می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید با اینکه شما کتاب (خدا) را می‌خوانید آیا [هیچ] نمی‌اندیشید» (بقره/ ۴۴). دیگر مسئله در صلاحیت معنوی این است که شخص منتقد دارای خصلت حسادت و بخل چه ذاتی و چه اکتسابی نباشد همانند حسادت اهل کتاب به مسلمین در نتیجه نیز انتقادات نا به جا به ایشان. زیرا چنین شخصی صالح به نقد و انتقاد نمی‌باشد و با توجه به مسئولیت خطیر و سنگینی که نقدکننده و منتقد در خصوص موضوعی دارند، ممکن است فقط از روی هوای نفس و بروز این خصائص باشد و سبب تضییع حیثیت فرد یا افرادی شوند که جبران ناپذیر است.

## ۲- نیت

اصل بعدی که باید لحاظ شود نیت است، هرکاری که رضای خداوند و خلوص نیت در آن باشد صبغه الله است لطیف و دلپذیر خواهد بود «وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا لَّهِ مُهْلِكُهُمْ أَوْ مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ؛ و آنگاه که گروهی از ایشان گفتند برای چه قومی را که خدا هلاک‌کننده ایشان است یا آنان را به عذابی سخت عذاب خواهد کرد پند می‌دهید گفتند تا معذرتی پیش پروردگارتان باشد و شاید که آنان پرهیزگاری کنند» (اعراف/ ۱۶۴).

## ۳- حقیقت جویی و حقیقت گویی

یکی از مهمترین اصول نقد در فرهنگ دینی، داشتن علم و اطلاع کافی نسبت به عیب و کاستی مورد نظر است. داشتن آگاهی تا آنجا مهم و تاثیر گذار است که یکی از شروط اساسی در واجب شدن امر به معروف و نهی از منکر به شمار رفته است. [۹] اخلاقاً داوری و قضاوت درباره شخص یا اثری بدون داشتن آگاهی‌های لازم، کاری است ناپسند. این عمل در فرهنگ قرآنی نیز به شدت مذموم است و پروردگار متعال در آیه ای به وضوح رسول مکرم اسلام(ص) را از ورود به موضوعی که علمی درباره آن ندارد، بازداشته است.

## ۴- انصاف و عدالت

نقد سازنده نقدی است که به دور از سیاه‌نمایی و پوشاندن خوبی‌ها باشد. [۱۵] ذکر و تاکید بر خوبی‌ها و زیبایی‌ها باعث پذیرفته شدن هر نقد و انتقادی از سوی شخص یا گروه نقد شونده خواهد شد. علاوه بر این نادیده انگاشتن خوبی‌های یک عمل، رویکرد و... چون نوعی کتمان حقیقت است و نیز باعث انحراف ذهن مخاطب از فهم تمام حقیقت است، نوعی دروغ عملی به شمار می‌رود و امری ناپسند از منظر دین و اخلاق است. در فرهنگ اسلامی نیز رعایت انصاف در گفتار و کردار باعث الفت بین قلب‌ها، افزایش محبوبیت، افزایش تاثیر بین مردم و بهترین نوع از عدالت شمرده شده است.

## ۵- رعایت ادب در گفتار و حفظ شخصیت مخاطب

مراعات ادب در گفتار و کردار، فارغ از بحث نقد و انتقاد، یکی از توصیه‌های مهم در آموزه‌های دینی ما به حساب می‌آید. (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹: ۲/ ۸۰۰). قبل از شروع هر نقد و انتقادی نسبت به هر شخص و تفکر و گروه، باید توجه داشته باشیم که مراعات شخصیت و جایگاه اجتماعی و دینی هر شخصی در جامعه اسلامی لازم و ضروری است و نقد اگر با رعایت این ادب و آداب دیگرش همراه نباشد، اثرات سوئی در فضای اخلاقی جامعه خواهد گذاشت.

با تامل در سوره مبارکه "همزه" که در آن به بحث عیب جویی پرداخته شده و از آن به شدت نهی شده است، متوجه می‌شویم که بین نقد و عیب جویی مرزی بسیار دقیق و ظریف وجود دارد که همین نزدیکی مرز ما را مجبور می‌کند که در فضای نقد و انتقاد بسیار با احتیاط و آرام گام برداریم تا مبادا با نام نقد به تخریب شخصیت و عیب جویی از مومن یا گروهی از مومنان بپردازیم. حفظ آبروی مومن، بسیار در آیات و روایات مورد تاکید واقع شده است. [۳]



#### ۶- دلسوزی و خیرخواهی

فلسفه نقد پیش رفتن، اصلاح و به کمال رساندن است و لازمه تمام این ها دلسوز بودن و خیرخواه بودن است. اگر کسی بدون دلسوزی نسبت به رشد فرد یا جامعه ای اقدام به لیست کردن عیب های موجود بکند، این کار را سیاه نمایی و تخریب و تضعیف به شمار می آورند و حق هم همین است؛ هر چند از همین سیاه نمایی ها هم می توان استفاده کرد. ولی این توجیه کننده اخلاقی بودن این کار نمی شود. در فرهنگ قرآنی بر روی دلسوزی و خیرخواهی پیامبران و مخصوصاً نبی مکرم اسلام (ص) بسیار تاکید شده است و غالب پیامبران را با واژه برادر قوم خودشان توصیف کرده است که در بردارنده شفقت و دلسوزی ویژه آنهاست. (سوره توبه/آیه ۱۲۸ و سوره اعراف/آیات ۶۵ و ۷۲ و ۸۵).

#### ۷- مخفیانه و خصوصی

هر چند آنچه که در جامعه ما و نیز سایر جوامع رواج یافته است این است که نقدها و عیب ها را در رسانه های عمومی و جمع های گسترده مطرح می کنیم، ولی با مراجعه به فرهنگ اسلام و آموزه های وحیانی، در می یابیم که نقد عمومی و علنی ثمره ای منفی و تخریب کننده تر دارد و تاثیرات مثبت آن یا نیست و یا بسیار کم و ناچیز است. در روایتی از امیرالمومنین علی (ع) آمده است که: «نصیحت شخص در آشکار، تخریب شخصیت وی هست.» [۱۰] نکته ای که در انتقادات باید مورد توجه قرار بگیرد این است که نقد اگر به هدف اصلاح و رشد و از روی دلسوزی باشد، لازمه اش این است که علنی نشود و به صورت شخصی و خصوصی به شخص مورد نظر گفته شود.

#### ۸- نداشتن سوءنیت و قصد تخریب

نقدکننده و منتقد نباید سوء نیت و نیز قصد تخریب موضوع و یا شخص مطرح کننده آن را داشته باشند که این جز دشمنی و عداوت چیزی به بار نمی آورد و حتی فرد را به لجاجت و اصرار در تکرار عمل مورد نقد تحریک می کند و باید مثل آیه کریمه هدف عذری نزد خداوند تبارک و تعالی باشد و خیرخواهی برای افراد. در سوره اعراف حضرت هود به قومش می فرماید «وانالکم ناصح امین؛ من برای شما خیرخواه امینی هستیم». گاهی ممکن است هدف تخریب هم نباشد اما انتقاد با انگیزه خودنمایی صورت پذیرد که عملاً هر دو نیت به منزله سوءنظر تلقی می شود و به طبع اثر سوء خواهد داشت و به همین دلیل در نقد و انتقاد صرفاً باید خدا را در نظر گرفت و هدف جز رضایت پروردگار نباشد.

#### ۹- داشتن علم

شخص یا اشخاص نقد کننده الزاماً باید نسبت به آن موضوع مطروحه عالم باشند و اشراف کامل داشته باشند. قرآن می فرماید «وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ؛ از چیزی که بدان علم نداری دنبال نکن» (اسرا/ ۳۶)، چرا که گوش و چشم دل از همه آنها بازخواست خواهد شد. گاهی شیطان انسان را مغرور می سازد و با فریب طوری تلقین می کند که هر فردی خود را در هر موضوعی صاحب نظر می داند که نمونه های بارز آن در جامعه شاهد هستیم از نقد بررسی صحنه تصادف تا انتقاد به عملکرد دولت ها و غیره ... که اینگونه نقد ها به نوعی دخالت نامربوط تلقی می گردد و نه جنبه تربیتی و بازدارنده دارد و نه مفید موثر است و غیر از ایجاد تنفر و ناراضی و به نوعی انزجار ایجاد می نماید.

#### ۱۰- داشتن اهلیت

در این مبحث اهلیت را شامل فضایل اخلاقی و فطری انسان می دانیم که عاقل بودن عادل بودن عالم بودن، و حلم و صبر غیره دانست خداوند بارها به پیامبر فرمود «واصبر علی ما یقولون»، چرا که پیامبر عظیم الشان ما به دلیل تبلیغ دین و موعظه مردم با رها تهمت دیوانگی را از آنان شنید. نقاد یا منتقد باید اهل قضاوت عجولانه نبوده و در عین حال عادل باشند و حلیم باشد یعنی چنانچه در اولین جمله نقادانه از سوی مخاطب مورد حمله قرار گرفت بتواند تصمیم درست و منطقی را بگیرد و از مسیر نقد صحیح خود خارج نشود و به قول عامیانه از کوره در نرود و اقدامی از روی هوای نفس انجام ندهد.



## ۱۱- سازنده بودن

آنچه که از خروجی نقد یا انتقاد مورد انتظار است سازنده بودن و اثر گذاری آن می باشد. به این معنا که ممکن است هدف از انتقاد اصلاح باشد اما سازنده و کاربردی نیست پس عملاً مفید به فایده نخواهد بود. یعنی شما زمانی باید نقد کنید که اولاً بدانید که می توانید با رعایت جمیع جهات و اصول نقد کردن، نقدی صحیح و موثر انجام دهید که این تصمیم گیری باید خیلی مدبرانه انجام شود. گاه همه ابزار نقد مهیا است ولی زمان مناسب این کار نیست گاه مکان مناسب نیست گاه نحوه گفتار منتقد صحیح نیست گاه باید روشی جدید و مبدعانه به کار برد که این ها همه می تواند در سازنده بودن و اثر گذاری نقد موثر باشد.

## ۱۲- رعایت حرمت

آنچه که از نظر آموزه های اسلامی بدان تاکید شده حفظ آبرو و حیثیت افراد است و طبق حدیث موقر از نبی اکرم (ص) آبروی مومن از کعبه بالاتر است و اگر در حین نقد و یا در زمان انتقاد، حرز فرد یا افرادی ضایع گردد ضمن اینکه حرمت دارد کاملاً بر خلاف اصول انسانی و اخلاقی میباشد و خود موجب می شود که نتیجه بر خلاف انتظار منتقد باشد.

## ۱۳- پرهیز از غیبت

در نقد بسیار باید دقت شود که شخص یا اشخاص دچار گناه کبیره غیبت نشوند مگر فسق و فجوری آشکار صورت گرفته باشد که در این صورت از نظر فقه غیبت تحت شرایطی جایز است.

## ۱۴- پرهیز از تهمت

نکته حائز اهمیت اینکه در بررسی و به نقد گذاشتن موضوع طرح شده نباید برداشت سوء استنباط شود و باید با حسن نظر به آن موضوع پرداخت. بنابراین با مثبت نگری و از منظر خوش بینانه، افتراضی صورت نخواهد پذیرفت. خداوند در قرآن در سوره حجرات می فرماید «از بسیاری از گمان های بد نسبت به دیگران بپرهیزید». از این آیه می توان برداشت کرد که گمان بد خود مقدمه تهمت زدن است.

## ۱۵- موقعیت شناسی

قرآن فرمود « لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ؛ هر خبری را وقت وقوعی است» (انعام/ ۶۷) یعنی خبر انتقاد ما باید به وقتش باشد. اگر انتقاد در زمان و موقعیت خود ارائه نشود ممکن است بیان آن، آب به آسیاب دشمن ریختن باشد اگر نقاد و منتقد موقعیت و شرایط را شناسند و دیپلماسی بیان را ندانند بی شک ضمن اینکه مفید نبوده، ممکن است آسیب هم در پی داشته باشد.

## ۱۶- روش صحیح در بیان

خداوند به حضرت موسی و هارون علیهما السلام دستور داد «فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيِّنًا لَعَلَّهٗ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى؛ و با او سخنی نرم گوید شاید که پند پذیرد یا بترسد» (طه/ ۴۴) و آن حضرت ابتدا در جلسه خصوصی با فرعون به بحث نشست. برای صورت صحیح بیان نقد بر اساس قاعده انتقاد در خفاء به خود شخص و تشویق در جمع، باید بصورت درگوشی به خود نقد شونده صورت پذیرد و اینکه در جمع گفته شود تلقی و برداشت مخاطبین، سوءنظر نقاد و منتقد خواهد بود هر چند که نقد سازنده باشد.

## ۳-۴- نقش تعلیم و تربیت در پرورش تفکر انتقادی

با توجه به حجم زیاد اطلاعات در دسترس و نارسایی نظام آموزش سنتی در آماده کردن حرفه ای فراگیران، نیاز است نقش مراکز آموزشی به عنوان منبع اطلاعات و استادان به عنوان سخنران و منتقل کننده اطلاعات تغییر کند و فراگیران نیز به جای اینکه فقط به کسب و حفظ اطلاعات بپردازند، لازم است مهارت خویش را در فکر کردن و استدلال بالا برند و اطلاعات موجود را پردازش کنند و از آنها استفاده کنند؛ به بیان بهتر وظیفه مؤسسات آموزشی، رشد و پرورش مهارت های تفکر انتقادی فراگیران است که باعث شناخت علمی و کسب معرفت درست می شود. لازمه این تامین کردن محیطی است که سؤال بوجود آورد و آنها را به تفکر مجبور کند. در چنین موقعیتی تعلیم و تربیت به بازاندیشی در هدفها و شیوه های خویش نیاز دارد. در این امتداد نقش معلم از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. برای ایجاد تغییر در شیوه های آموزشی باید در نقش معلم نوعی بازنگری و بازاندیشی صورت گیرد. در حقیقت اصلی ترین کار در این روند، تغییر دیدگاه او نسبت به آموزش تفکر و بخصوص تفکر انتقادی است. در این روند معلم باید پی ببرد که فراگیران برای تقویت قدرت فکری خود نیاز به چالش دارند. درگیری ذهنی است که تفکر را در آنها پرورش می دهد و بالندگی را به هدیه می دهد. [۷]





#### ۴-۴- راه‌های پرورش تفکر انتقادی و چگونگی استفاده آن

در گذشته کمتر فکر می‌شد که احتمال دارد اشخاص را متفکر و خلاق پرورش داد. تفکر همه در مورد سرشت تفکر این بود که این خصوصیات، کیفیاتی ذاتی و ژنتیکی است که به هیچ وجه امکان کنترل و دخل و تصرف در آنها وجود ندارد؛ اما نتایج تحقیق‌های مالتزمن و همکاران نشان داد که تفکر، حل مشکل و خلاقیت، پدیده‌های متافیزیکی نیست، بلکه تفکر حقیقت و پدیده‌ای طبیعی است که همه قوانین و سیستم‌ها و اصول مسلط بر رفتار شخص در اینجا نیز صادق است. تفکر، رفتاری یادگرفتنی است و از این رو می‌توان اشخاص را با تأمین شرایط قابل کنترل، متفکر و خلاق بار آورد. [۵]

سه راهکار را می‌توان برای آموزش تفکر تعبیر کرد. [۸]

۱- آموزش مستقیم مهارت‌های تفکر: برای آموزش مستقیم تفکر به‌عنوان یک مهارت باید در برنامه‌ریزی درسی، جایگاه خاصی برای آن در نظر گرفته شود به طوری که به عنوان یک موضوع مستقل جایگاه حقیقی خود را کشف کند.

۲- آموزش برای تفکر: این راهبرد، تفکر را به عنوان تکه‌ای ضروری در آموزش تعبیر می‌کند و تأیید می‌کند که فعالیت‌های تفکر باید به صورت قسمتی از آموزش روزانه در همه مسایل مورد توجه قرار گیرد و مهارت‌های تفکر برای موفقیت هر فعالیت تربیتی لازم است.

۳- آموزش درباره تفکر: در این راهبرد از فراگیران تقاضا می‌شود تا درباره تفکر و مهارت‌های فراشناختی خود اندیشه کنند.

البته تفکر انتقادی نیز مانند سایر مهارت‌هاست. هر شخص روش ویژه و توانایی‌های ویژه خود را دارد ولی همه می‌توانند با حصول آگاهی و آموزش، آن را کسب کنند. در گذشته می‌آموختیم که چگونه مطالب خود را حفظ کنیم که درک و به خاطر سپردن بهتری داشته باشیم؛ اما اکنون می‌دانیم که حفظ کردن مطالب برای افکار و مغزها بی‌فایده است و به فهم اطلاعات یاری نمی‌رساند. [۱۱]

آلن بنسلی<sup>۳</sup> بر قابل آموزش بودن تفکر انتقادی تأکید دارد و بیان می‌کند همان‌طور که شما مفاهیم و کار را در یک رشته ویژه یاد می‌گیرید، مهارت‌های تفکر انتقادی هم قابل انتقال است و آموزش داده می‌شود. [۱۶] اما شیوه‌های آموزش تفکر انتقادی در رشته‌های گوناگون فرق می‌کند و باید به روش‌های متفاوت پیشرفت کند. آموزش تفکر انتقادی به شاگردان دربرگیرنده مبادله اطلاعات نیست بلکه بیشتر شامل آموزش نظرات برای آنالیز و ادراک اطلاعات است.

وظیفه معلم بالاتر از تعلیم و آموزش این است که کاری کند که قوه تجزیه و تحلیل شاگرد قدرتمند شود. هدف تعلیم و تربیت بایستی رشد فکری دادن به شاگردان و جامعه باشد. معلم باید تلاش کند که به شاگرد رشد فکری یعنی قوه آنالیز بدهد و قوه خلاقیت او را زنده کند تا بتواند استنباط، اجتهاد و رد فرع بر اصل کند نه اینکه تنها در مغز وی یک سلسله معلومات، اطلاعات و فرمول وارد کند که اگر معلومات خیلی فشار بیاورد، ذهن کند می‌شود. [۱۴]

#### ۵- نتیجه‌گیری

در آموزه‌های دینی، به مقوله نقد و نقدپذیری، اهمیت زیادی داده شده است. کلمه‌های؛ نصیحت، تذکر، موعظه، استماع قول، اتباع احسن، تواصی به حق، دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر، هر یک به نوعی، اهمیت و جایگاه نقد و نقدپذیری را بیان می‌کنند. همچنین، آثار و نتایج سازنده و سودمند نقد، اهمیت و ضرورت انتقاد و انتقادپذیری را نشان می‌دهند و موجب می‌شوند که انسان همیشه خود را در معرض نقد دیگران بگذارد و هیچ وقت عملکرد خویش را از آن بی‌نیاز نداند.

**سوال اول - تفکر انتقاد و انتقادپذیری در آموزه‌های اسلامی چه جایگاهی دارد و نقش تربیتی آن در تعلیم و تربیت نوجوانان چیست؟**

تفکر انتقادی در سنت اسلامی ما جایگاه خاصی دارد. قرآن مهم‌ترین توصیه‌ها را درباره داشتن تفکر انتقادی به افراد دارد. تقلید نسنجیده و بدون حمایت عقلی و منطقی بارها در قرآن مورد مذمت قرار گرفته است. کسانی که از روی دشمنی و لجاجت به روش اجداد خود رفتار می‌کنند و اسیر تقلید هستند مورد نكوهش قرار گرفته‌اند. در روند تعلیم و تربیت، فعال بودن شرط اصلی است و تفکر و استقلال فکری نقشی اصلی ایفا می‌کند. اصولاً روح تربیت اسلامی نیز اقتضای چنین امری را در قبول یا رد اعتقادات دارد. در

<sup>۳</sup> Allen Bensaly



تربیت اسلامی کوشش بر این است که فراگیر از طریق تفکر و اندیشه‌ورزی و دوری از هر نوع تعصب نسنجیده سر تسلیم بر آستان واقعیت فرود آورد.

ضرورت دارد که در برنامه‌های مدارس شیوه‌هایی اتخاذ شود که به کمک آنها دانش آموزان، توانایی‌های چگونگی آموختن را به شیوه انتظام فکری یاد بگیرند؛ چون معرفت در روند تفکر منظم پیشرفت می‌کند و محیط‌های آموزشی و شیوه‌های مسلط بر آنها در محقق شدن این هدف نقش اصلی دارد. نیاز است دانش آموزان یاد بگیرند که به جای ذخیره‌سازی واقعیت‌ها با مسائلی درگیر شوند که در زندگی روزمره با آنها روبه‌رو می‌شوند. معلمان عزیز و گرامی نیز، که در این خصوص پرچم‌دار به‌شمار می‌روند، باید با این‌گونه شیوه‌ها و عملکردها آشنا شوند و از آنها در اداره کلاس و آموزش دروس گوناگون استفاده کنند.

### سوال دوم - ماهیت تربیتی انتقاد از منظر اسلام به چه صورتی است؟

سیستم تربیتی اسلام بر نقد تفکر بنا نهاده شده است. چون استعداد نقد، امکان تمیز و تعیین درست از نادرست و نیز قضاوت صحیح و دقیق را تأمین می‌کند. تفکر انتقادی باعث می‌شود تا بستر شناخت دقیق و ژرف تأمین شود. از دید اسلام داشتن روحیه انتقادی بخصوص نقد از خویش و انتقادپذیری ضمن آنکه از خصوصیات فرد کامل به حساب می‌آید، از ملزومات پویایی و زمینه ساز حرکت تکاملی شخص و جامعه اسلامی است. جامعه بدون انتقاد، جامعه بدون پرسش و جامعه مرده و بی روح است که دچار یکنواختی شده و توسعه بسیاری کسب نمی‌شود. برای داشتن جامعه‌ای سالم، درست و شاداب، شهروندان آگاه و مسئول، دولت‌مردان متواضع و پاسخگو، باید فرهنگ نقد و نقادی را ترویج داد. تلخی اولین نقد و انتقاد، با پیامدهای خوب آن از میان می‌رود. اشتباه و گناه در گفتار و کردار غیر معصوم ورود می‌کند، پس انتقادگری و انتقادپذیری از احتیاجات یک مومن برای اصلاح گفتار و کردار در مسیر نزدیکی به پروردگار متعال است. ارزش انتقاد سازنده و نصیحت دلسوزانه به گونه‌ای است که امام علی(ع) آن را از جمله حقوق مسلط اسلامی بر مردم می‌داند. (نهج البلاغه/ خطبه ۳۴). نقد و انتقاد صحیح، از آن روی مورد توجه است که اگر برجسته‌ترین خصیصه فرد را "فکر کردن" او بدانیم، بی تردید کاراترین و تعیین کننده‌ترین مولفه در تولید، شکوفایی و گسترش این خصیصه، ارزیابی و نقد و بررسی است.

### سوال سوم - اصول انتقاد و انتقادپذیری در اسلام چیست؟

اصول انتقاد در اسلام عبارتند از:

صلاحیت معنوی، نیت، حقیقت‌جویی و حقیقت‌گویی، انصاف و عدالت، رعایت ادب در گفتار و حفظ شخصیت مخاطب، دلسوزی و خیرخواهی، مخفیانه و خصوصی باشد، هدف نقد؛ هدایت، خیرخواهی و اصلاح، نقد باید همراه با علم و اشراف به موضوع باشد، نداشتن سوءنیت و قصد تخریب، داشتن علم، داشتن اهلیت، سازنده بودن، رعایت حرمت، پرهیز از غیبت، پرهیز از تهمت، موقعیت‌شناسی، روش صحیح در بیان.

### سوال چهارم - روش‌های انتقاد و انتقادپذیری در اسلام چگونه است؟

انتقاد، با همه‌ی محسنات و اهمیتی که دارد، گاه با امور ناروا هم مرز می‌شود. منتقد منصف باید حریم و حرمت نقد را نگاه دارد. گاه نیت غیرالهی و گاه اغراض نفسانی و بعضی از مفاصد دیگر باعث می‌شود ناقد و ناصح به هدف مورد نظر اسلام، «رفع عیب و نقص»، نرسد. در این صورت خود شیوه‌ی نقد، احتیاج به نقادی و بازنگری پیدا می‌کند. روش‌های انتقاد در اسلام عبارتند از: انتقاد از خود، اخلاص، شناختن و انتقاد کردن، پرهیز از شتاب‌زدگی، انتقاد با کار خوب همراه باشد، انتقاد، سالم و اصلاح‌گرانه باشد، زمان و مکان در انتقاد مراعات شود، نقد صمیمی و خصوصی باشد، انتقاد خیرخواهانه باشد، آگاهی و شناخت ناقد.

### منابع

- قرآن کریم.

- نهج البلاغه.

[۱] عبد الواحد بن محمد آمدی، ۱۳۶۰. شرح غررالحکم و دررالکلم، شرح جمال الدین محمد خوانساری، با مقدمه و تصحیح و تعلیق جلال‌الدین حسینی ارموی محدث، تهران، دانشگاه تهران.



- [۲] حسن اردشیری لاجیمی، ۱۳۹۴. اخلاق کارگزاران در نهج البلاغه، مجله اشارات، شماره ۱۵۹.
- [۳] حسین اعظمی چهاربرج، ۱۳۹۱. درآمدی بر روش شناسی و انواع نقد رأی، فصلنامه نقد رأی، سال اول، شماره اول.
- [۴] آنه تامسون، ۱۳۸۲. استدلال انتقادی راهنمای عمل، ترجمه هاشمیان نژاد و فریده حسن ملکی، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی.
- [۵] علی اکبر حسینی، ۱۳۴۸. تفکر خلاق، شیراز، دانشگاه شیراز، چاپ اول.
- [۶] محمدرضا حکیمی، محمد حکیمی، علی حکیمی، ۱۳۸۰. الحیاء، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، جلد ۱.
- [۷] خلیلی و دیگران، ۱۳۸۲. مقایسه تأثیر دو روش آموزش کلاسیک و مبتنی بر استراتژی های تفکر انتقادی بر میزان یادگیری پایدار دانشجویان پرستاری، مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، ویژه نامه آموزش پزشکی، شماره ۵.
- [۸] بختیار شعبانی ورکی، ۱۳۷۴. تأثیر در سه رهیافت آموزش تفکر، مجموعه مقالات سمپوزیوم نقش آموزش ابتدایی و جایگاه مطلوب آن در جامعه، اصفهان، معاونت آموزش عمومی در اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان.
- [۹] علی صفائی حائری، ۱۳۸۶. روش نقد، قم، لیله القدر، قم، جلد ۱.
- [۱۰] مرتضی فرید، ۱۳۷۷. الحدیث (روایات تربیتی از مکتب اهل بیت (ع))، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- [۱۱] احسان قبول، ۱۳۸۴. فکر انتقادی و اهمیت کاربرد آن در نظام آموزش زبان و ادبیات فارسی، کتاب مجموعه مقالات نخستین کنگره بین المللی دانشگاه آزاد اسلامی.
- [۱۲] حسین کریمیان، فائزه ناطقی، محمد سیفی، ۱۳۹۶. جایگاه تفکر انتقادی در تعلیم و تربیت اسلامی مبتنی بر سند برنامه درسی ملی، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۳۴، ۱۵۱-۱۳۳.
- [۱۳] علی بن حسام الدین متقی، ۱۴۱۹ق. کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، دار الکتب العلمیه، جلد ۱.
- [۱۴] مرتضی مطهری، ۱۳۹۲. تعلیم و تربیت در اسلام، بی جا، صدرا، چاپ هشتم و یک.
- [۱۵] محمد معین، ۱۳۹۱. فرهنگ فارسی، موسسه انتشارات امیرکبیر، چاپ ۲۷.
- [۱۶] حسن ملکی، مجید حبیبی پور، ۱۳۸۵. پرورش تفکر انتقادی هدف اساسی تعلیم و تربیت، فصلنامه نوآوری های آموزشی، سال ۶، شماره ۱۹، ۱۰۸-۹۳.
- [۱۷] منصور میراحمدی، عبدالرضا احمدی، ۱۳۹۵. اهمیت و نقش تفکر انتقادی در توسعه ی دانش سیاسی مسلمانان، فصلنامه سیاست متعالیه، سال چهارم، شماره ۱۴، ۱۵۲-۱۳۵.
- [۱۸] محمدجواد نجفی، محمدهادی مفتاح، محمدحسن موحدی ساوجی، ۱۳۹۴. حق انتقاد از منظر قرآن و سنت، نشریه قرآن، فقه و حقوق اسلامی، سال دوم، شماره ۳، ۱۷۰-۱۴۹.
- [۱۹] Fisher, A., ۲۰۰۱. Critical thinking, an introduction, the university press of Cambridge.
- [۲۰] Stella, C., ۲۰۰۵. Critical Thinking Skills, Developing Effective Analysis and Argument, palgrave, Macmillan.